

ماهیت و آثار اخلاقی خیارات در معاملات الکترونیکی

خلیل خدری^۱، دکتر خیراله رضانی^{۲*}، دکتر منصور عطاشنه^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، امارات

۲. گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

۳. گروه حقوق، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۷)

چکیده

زمینه: معاملات الکترونیک شکلی از معاملات است که با ابزار الکترونیکی از جمله تلفن همراه، رایانه و تبلت صورت می‌گیرد. با توجه به همگامی نظام اقتصاد ایران با جهان و تامین نیازهای روز، تضمین انعقاد صحیح معاملات الکترونیکی با استفاده اخلاقی از خیارات مورد کاوش قرار می‌گیرد. پژوهش حاضر با هدف پرده برداشتن از معضلات و مشکلات معاملات الکترونیکی و انعقاد صحیح آنها، به بررسی ماهیت و آثار اخلاقی خیارات در معاملات الکترونیکی پرداخته است و با تنقیح ادله و گسترش قلمرو آنان خیارات را در معاملات الکترونیکی همچون معاملات سنتی، بررسی نموده است.

نتیجه‌گیری: برخی از خیارات مختص بیع است و بیع و عقد در آن موضوعیت دارد و تنها در خصوص بیع الکترونیک صادق است. برخی از خیارات که بر اساس توجه به اصول اخلاقی در فقه اسلامی مورد تاکید است مانند خیار عیب و غبن مورد پذیرش در دادگاه‌های مختلف بوده و حتی در صورت نبود قانون خیارات در یک کشور می‌توان با استناد به حق فسخ درخواست ارجاع اموال کرد. خیارات دارای مدت و امد است و این امد می‌تواند به وسیله اسقاط، سقط، اتمام مهلت پایان یابد. باید گفت خیار در معاملات الکترونیک ثابت بوده و با توجه به اطلاق که قانونگذار در موادی که تقنین خیار در معاملات نموده است و عدم تعیین و تحدید آن در خصوص معاملات سنتی سخنی به جا می‌باشد. همچنین خیار از آن جهت که برای دفع ضرر من‌له الخیار تاسیس شده است در این نوع از معاملات با توجه به وحدت ملاک ثابت است. البته خیارات خاص مثل خیار مجلس در این نوع از معاملات وجود ندارد و این به دلیل توقیف‌بودن خیار در وجود مجلس واحد و عدم شکل‌گیری آن در این معاملات است.

کلید واژگان: اخلاق، معاملات الکترونیکی، بیع، خیارات

سر آغاز

بیع^۱ که در آغاز معاوضه‌ی کالا به کالا بوده، قدمتی به طول نیازمندی انسان دارد. انسان پیپای به دنبال رفع نیازهای خود به ساده‌ترین شکل و سریع‌ترین روش ممکن بوده است و هر زمان برای ایصال به این هدف، دست به ابداع راه‌های متفاوت زده است.

از معاوضه محصولات خود با دیگر محصولات مورد نیاز که به معامله پایاپای^۲ نامگذاری شده است تا واسطه قرار دادن سنگ‌های قیمتی مانند طلا یا نقره و ایجاد واحد پول به ازاء سنگ‌های قیمتی از نوع آلیاژهای غیرقیمتی و یا کاغذ، بخشی از تلاش‌های بشر در این خصوص بوده است. پس از آن نیز خرید و فروش‌های بر اساس توصیف و دور از معاوضات سنتی جایگاه ویژه‌ای برای خود ایجاد نمود تا جایی که فضای مجازی به صورت چشم‌گیری شاهد خرید و فروش‌هایی تنها با توصیف

مبیع و یا ارائه تصاویر از آن است و حتی شاهد ایجاد واحد بیت کوین یا همان واحد پول مجازی است که البته از سوی کشورهای دنیا مورد تایید قرار نگرفته است. لکن آنچه مهم است اینکه آسایش در معاملات از سوی بشر سبب شده است که انسان دست از معاملات سنتی^۳ کشیده و رو به بازارهای مجازی و معاملات در این فضا آورد تا جایی که برخی از شغل‌ها بدون فضای مجازی غیرممکن می‌باشد. در مطالعه حاضر محققین بر آن شدند تا ماهیت و آثار اخلاقی^۴ خیارات در معاملات الکترونیکی^۵ را مورد بررسی قرار دهند.

معامله الکترونیکی

معامله الکترونیکی شکلی از قراردادهای از راه دور است که به وسیله ابزار الکترونیکی از جمله لبتاب، تبلت، موبایل و کامپیوتر بسته می‌شود.

نویسنده مسئول: نشانی الکترونیکی: ramezanikheiroллаh@gmail.com

قراردادی که تنها فرق آن با بیع سنتی در وجود فاصله ای است که میان متبایعین وجود دارد و این فاصله به خاطر آن است که این ابزار الکترونیکی، از وسائل ارتباط از راه دور هستند و وسائل ارتباط از راه دور عبارت از هر نوع وسیله‌ای است که بدون حضور فیزیکی همزمان تأمین کننده و مصرف کننده، جهت فروش کالا و خدمات استفاده می‌شود (۱). با توجه به عدم حضور طرفین در معامله الکترونیکی، می‌توان دو گونه با این نوع از معاملات مواجه شد:

۱. این نوع از معاملات، قراردادی غیر مکاتبی و معمولی هستند ولی به دلیل عدم حضور فیزیکی همزمان فروشنده و خریدار، بعضی از خیارات همچون خیار مجلس این قراردادها مورد بحث و نقداند که به بررسی امکان وقوعی آن خواهیم پرداخت.

۲. این نوع از معاملات، قراردادی از جنس حضور و مجلس نیستند و باید آن‌ها را از باب معامله بین دو فرد غائب محسوب نمود. معامله ای که به طور مشافهه ای مکالمه و مذاکره ای در ایجاب و قبول آن انجام نشده بلکه توسط واسطه ای همچون نامه و تلکس رقم خورده است را معامله بین غائبین و نیز عقد مکاتبی می‌نامند (۲) برای مثال اگر معامله‌ای بین دو فرد با تلفن که در دو مکان مختلف حضور دارند انجام گیرد، از نظر مکانی، قرارداد بین غائبین محسوب می‌شود ولی از نظر زمانی قرارداد منطبق با عقد غائبین نیست (۳). لذا عده‌ای از نویسندگان، معاملات اینترنتی را نیز از باب قراردادهای مکاتبی یا بین غائبین محسوب نموده‌اند و دلیل آن را عدم انجام عقد به نحو مشافهه‌ای و وجود واسطه الکترونیکی در بین و همچنین امکان فاصله زمانی بین ایجاب و قبول و فاصله مکانی بین متعاقبین وجود داشته باشد (۴). در اینصورت نیز امکان وقوعی خیار مجلس قابل بررسی است. اما ملتزم شدن به نظریه دوم از باب اینکه خود قائل به تفکیک در این معامله است مشکل به نظر می‌رسد.

بیع الکترونیکی

بر اساس آنچه که در فقه و ماده ۴۵۶ قانون مدنی بیان شده است خیار مجلس در بیع جاری است. لذا داد و ستد الکترونیکی پس از آنکه بیع محسوب شد قطعاً دارای احکام بیع نیز خواهد بود. به همین دلیل اول باید خیار را بر اساس متعلق خودش مورد بررسی قرار داد، به این نحو که آیا این نوع از معاملات واقعا بیع محسوب می‌شوند یا خیر؟ بر اساس توضیحاتی که در مورد حقیقت بیع بیان شده است هیچ مانعی از الکترونیکی بودن بیع وجود ندارد. در ذیل از بزرگان حقیقت بیع مطرح می‌گردد.

بیع، معاوضه ملکیت مبیع و ثمن و دخول هر یک از آن دو در ملک فرد مقابل است. بر اساس تعریف که از شهید اول نقل شده است: بیع، ایجاب و قبول از سوی دو فرد کامل است در حالی که این ایجاب و قبول دلالت بر نقل عین در مقابل عوض مقدر و معلومی دارد که البته بر آن نیز رضایت خاطر وجود دارد. در کتاب مناهل نیز اقسام دیگری از تعریفات را بر شمرده است که می‌توان آنها را جمعا در حدود ۶ قسم تقسیم بندی نمود. این تعریفات را می‌توان در انتقال عین مملوکه از شخصی به شخص دیگر در مقابل عوضی مقدر به صورت تراضی دو

طرف، ایجاب و قبولی که با آنها عین مملوکه از مالکی به دیگری در مقابل عوض مقدری منتقل می‌شود، عقدی که اقتضا دارد استحقاق تصرف در مبیع و ثمن و همچنین تسلیم آنها را، عقدی که دلالت دارد بر عین مملوکه و آنچه در حکم عین مملوکه است از سوی شخصی به شخص دیگر در مقابل عوضی مقدر به نحو تراضی و همچنین نقل ملک و نه انتقال آن، از مالکی به دیگری با صیغه مخصوص خود خلاصه نمود (۵).

مرحوم شیخ انصاری نیز بیع را به انشاء تملیک عین به مال تعریف کرده است که این نیز تعریفی برای بیع محسوب می‌شود و از نظر شیخ انصاری اولی نیز همین تعریف است (۶). بنابر تعاریف گوناگون ذکر شده، در هر صورت هیچ منعی از اینکه قسمی از معاملات الکترونیکی را بیع الکترونیکی به حساب آوریم وجود ندارد.

ماهیت خیار

خیار به معنای حق فسخ معامله پس از ثبت آن توسط یکی از دو طرف و یا هر دونفر از متبایعین، دارای اثر خواهد بود. با توجه به حق بودن آن به ورثه نیز منتقل می‌شود که گویای عدم فساد آن به واسطه مرگ صاحب خیار است. با توجه به ماهیت حق بودن خیار می‌توان آن را چه در برابر دریافت و یا بدون دریافت چیزی فروخت و یا اسقاط نمود.

یکی از مطالب مطرح در خیار بررسی ابعاد اخلاقی آن و اینکه آیا خیار حقیقت شرعیه دارد یا نه؟ می‌باشد. بنابر نظر بعضی از بزرگان، خیار یک امر حقوقی است که قبل از اسلام وجود داشته است، و بعد از اسلام نیز، هم در حوزه مسلمین هست و هم در حوزه غیر مسلمین جریان دارد. بنابراین خیار جزء تأسیسات و ابتکارات اسلام نیست و موردی اخلاقی و فرادینی است، و چون خیار تأسیسی نیست حقیقت شرعیه و یا حقیقت متشرعیه نخواهد داشت، در این صورت باید در سعه و ضیق آن از یک سو به غرائز و ارتکازات عقلا مراجعه کرد و از سوی دیگر به کیفیت امضای شریعت باید نظر داشت.

خیارات^۷ در معاملات متفاوت و متعددند و هر کدام فارغ از جریان یا عدم جریان دیگری، در یک معامله جریان پیدا می‌کنند برخی از خیارات مدت محدود دارند و برخی دیگر محدود به مدت خاص نبوده، بلکه به حالت خاص بستگی دارند.

با توجه به جنبه های متفاوت معاملات و همچنین عللی که خیار به خاطر آن جعل می‌شود خیارات نیز گوناگون و متفاوت اند که به آنها اشاره می‌شود، لکن آنچه در میان تمام خیارات مشترک است جلوگیری از بروز ضرر به هر دو و یا یکی از دو طرف معامله است که به عنوان مبانی خیارات مطرح است. شارع به دنبال لزوم عقد و الزام طرفین به پذیرش هر آنچه که محتوای قرارداد است گاهی ضرری را متوجه یکی از دو طرف میبیند که لزوم قرارداد اجازه برگشت از آن را نمی‌دهد، به همین دلیل با فرض وجود ضرر مجبور به پذیرش معامله خواهد بود لذا خیار جعل شده تا از این وضعیت جلوگیری نموده و سبب عدم فعلیت ضرر شود. به تبع فقه اسلامی، حقوق کشورهای اسلامی دارای خیاراتی است که نشان از برتری اقتصادی در قوانین تجاری است. وجود این مقوله در اقتصاد اسلامی که ناشی از اهمیت اخلاق اسلامی است سبب



۲ - اگر جنسی را که خریده، مثل بعضی از میوه‌ها باشد که اگر یک روز بماند ضایع می‌شود، فروشنده با وجود سه شرط می‌تواند معامله را به هم بزند: الف - تا شب پول آن را ندهد. ب - شرط نکرده باشد که دادن پول را تأخیر ببیند. ج - شرط تأخیر جنس هم نشده باشد» (۹). باید توجه نمود که مبنای این نوع از خیار، قاعده لاضرر است به این معنا که تأخیر، سبب ضرر است که باید از آن پرهیز نمود.

خیار رؤیت و تخلف وصف

در اکثر کتب فقهی، این نوع خیار، با تعبیر «خیار رؤیت» ذکر شده است. خیار رؤیت^۸ هم در عوض و هم در معوض جاری می‌شود بنابراین، در فقه اینگونه تعریف شده است: «فروشنده خصوصیات جنس معینی را که مشتری ندیده به او بگوید، بعد معلوم شود طوری که گفته نبوده است که در این صورت مشتری می‌تواند معامله را به هم بزند و نیز اگر مشتری خصوصیات معینی را که می‌دهد بگوید، بعد معلوم شود طوری که گفته نبوده است، فروشنده می‌تواند معامله را به هم بزند» (۱۰).

خیار غبن

خیار غبن^۹، در فقه به خیارى اطلاق می‌شود که در اثر معامله، غبن فاحشی به یکی از طرفین معامله رسیده باشد، لذا خیار غبن می‌تواند در ثمن یا مثن و یا هر دو مطرح باشد (۱۲). بنابر ماده ۴۵۶ قانون مدنی این خیار مختص به بیع نبوده، بلکه در قراردادهای اقتصادی غیر از بیع نیز جاری است.

خیار عیب

در فقه خیار ثابت بر اثر عیب موجود در یکی از دو عوض معامله را، خیار عیب^{۱۰} گویند (۱۳) در علم حقوق در تعریف این نوع از خیار این چنین مطرح شده است: «هرگاه پس از عقد معوض معلوم گردد که مورد معامله عیب داشته منتقل الیه می‌تواند عقد را به هم زند یا آن را با اخذ ارش بپذیرد» (۱۱).

خیار تدلیس

خیاری که ناشی از تدلیس یکی از متعاملین است خواه آن معامله عقد بیع باشد خواه نباشد را خیار تدلیس می‌گویند. چنانکه در فقه مطرح شده است: «اگر فروشنده یا خریدار، مال خود را بهتر از آنچه هست نشان دهد و طوری کند که قیمت مال در نظر مردم زیاد شود خیار تدلیس محقق می‌شود» (۱۰). و در علم حقوق نیز بدینگونه تعریف شده است که: «تدلیس، عمل موجب فریب طرف معامله است و وجود آن سبب پیدایش حق فسخ که آن را خیار تدلیس نامند، می‌شود».

خیار تبعض صفت

یکی دیگر از خیارات در معاملات خیار تبعض صفت است که در فقه با عنوان خیار شرکت نیز مطرح شده است (۱۰). تبعض صفت کلمه‌ای است دو بخشی که باید معنای هر دو را اولاً دانست بعد این کلمه مرکب را از نظر اصطلاحی مورد بررسی قرار داد. تبعض در لغت به معنی تجزیه شدن آمده صفت به معنی زدن با دست است که در سیره عرب‌ها اینگونه بوده است که بعد از قبول معامله دست هایشان را به هم می‌

جلوگیری از تضرر و اضرار، غبن و مسائلی گوناگون و پیشگیری از بن بست در قراردادهای است. به تبع موضوعاتی که به خاطرشان خیارات جعل شده است و همچنین ادله نقلی در این خصوص خیارات متنوع می‌شوند. در خصوص گستردگی خیارات در فقه و نزد فقها اختلافات چندانی وجود ندارد و علی‌رغم اینکه در تعیین مصادیق اختلافاتی به چشم می‌خورد اما خیارات اصلی مورد قبول تمام فقها می‌باشد. مشهور فقهاء ۱۱ نوع خیار را بیان کرده اند (بنی هاشمی خمینی، سید محمد حسن، توضیح المسائل ۱۶ مرجع، ج ۲، ص: ۳۰۱، ولی در بعضی از کتب فقهی تا ۱۴ مورد مطرح شده است (۷). و دائرة المعارف کشف اصطلاحات فنون تا ۱۷ نوع را آورده است (۸). با این حال قانون مدنی در ماده ۳۹۶ به ده مورد از خیارات صریحاً اشاره شده است و به بعضی در دیگر مواد اشاره نموده است. اختلاف در تعداد خیارات از جهت اختلاف ماهوی و کثرت و قلت حقیقی نیست بلکه تنها اختلاف شمارشی از باب جمع و استقصاء است اما انواع خیار و مفهوم هریک از خیارات در ذیل مطرح می‌شود.

خیار مجلس

خیار مجلس چنانکه از نامش پیداست زمانی که معامله انجام شد مادامی که مجلس معامله برقرار است این نوع خیار وجود دارد و فرصتی برای برگشت از تصمیم بیع یا مشتری در قرارداد است. ماده ۳۹۷ قانون مدنی در این خصوص هریک از متبایعین را بعد از عقد، فی المجلس و مادام که متفرق نشده اند مختار در فسخ معامله قرار داده است (۹).

خیار حیوان

در صورتی که مبیع مورد معامله حیوان باشد مشتری تا سه روز می‌تواند این معامله را بر هم بزند و ثمن پرداختی را برگرداند (۱۰) در ماده ۳۹۸ قانون مدنی، خیار حیوان اینگونه مطرح شده است: «اگر مبیع، حیوان باشد مشتری تا سه روز از حین عقد اختیار فسخ معامله را دارد». خیار حیوان فارغ از سستی بودن و یا الکترونیکی بودن در معاملات ثابت است.

خیار شرط

در صورتی که در معامله به یکی از دو نفر و یا هر دو نفر و یا شخص ثالث حق بر هم زدن معامله تا مدت معین اعطاء شود به معنای ایجاد خیار شرط در قرارداد است (۱۰) و به صورت خلاصه، خیار را به حسب اشتراطش در عقد، خیار شرط می‌نامند. این خیار بر خلاف خیار مجلس در تمام عقود به جز عقد نکاح، وقف، ابراء، طلاق و عتق و حتی ایقاعات، جاری می‌شود.

خیار تأخیر

اطلاق دیگر خیار تأخیر، خیار تأخیر ثمن است (۱۱) به خیار تأخیر ثمن، خیار ثلاثه هم اطلاق شده است (۱۱). فقهاء در مقام تعریف، این نوع از خیار را به جهت جنس مثن به دو بخش تقسیم نموده‌اند: ۱ - مشتری پول جنسی را که نقد خریده تا سه روز ندهد و فروشنده هم جنس را تحویل نداده باشد، و اگر مشتری شرط نکرده باشد که دادن پول را تأخیر ببیند و شرط تأخیر جنس هم نشده باشد، فروشنده می‌تواند معامله را به هم بزند (خیار تأخیر).

Fraud کلمه ای است که در واژه نامه انگلیسی به معانی همچون: فریب، غبن، حيله، شیبادی، تقلب، کلاه برداری^{۱۵}، شیباده، گوش بر و گول زنی، اغفال، دغلاکاری، حقه بازی، فریب کاری، (آدم) متقلب، کلاهبردار، قلابی، چیز تقلبی، (حقوق) کلاهبرداری آمده است، مورد توجه بوده بنابراین نمی توان اهمیت اخلاقی آن را انکار کرد (۱۹ و ۲۰).

نتیجه گیری

با توجه به ادله موجود در فقه و اخلاق اسلامی مبنی بر تشریح خیارات و فهم علل تشریح خیار از این ادله و همچنین تنقیح مناط و استفاده از ادله جواز تمسک به عمومات و اطلاقات موجود در بین و همچنین عقلی بودن برخی از ادله خیارات، می توان به این مسأله پی برد که جعل خیارات برای معاملات الکترونیکی قطعی و بلاشک است. لکن برخی از خیارات که مختص به بیع است و بیع و عقد در آن موضوعیت دارد تنها در خصوص بیع الکترونیکی صادق بوده و در خصوص باقی آنها ناتوان از جریان است.

قانونگذار در قانون تجارت الکترونیکی تنها در یک ماده و البته به مدت هفت روز برای طرف معامله اختیار فسخ قرارداد را ایجاد نموده است که با فرض پذیرش آن از سوی طرفین معامله و بنا نهادن معامله بر آن و بر فرض پذیرش آن شاید بتوان از مصادیق خیار شرط محسوس نمودولی این ناتمام است و به معنای کوتاهی قانونگذار از بحث خیارات در این قانون بوده است، مگر با ادعای عمومیتی خیارات در قانون مدنی در این قانون که این مسأله را جبران نماید. لکن در هر صورت این قانون کامل نبوده و حداقل در این خصوص نیاز به اضافات دارد.

برخی از خیارات مانند خیار عیب و غبن مورد پذیرش در دادگاه های مختلف بوده و حتی در صورت نبود قانون خیارات در یک کشور می توان با استناد به حق فسخ درخواست ارجاع اموال کرد. خیارات ابدی نیست و دارای مدت و امد است و این امد می تواند به وسیله اسقاط، سقط، اتمام مهلت پایان یابد. در این مدت قرارداد در معرض اعمال خیار بوده و البته مالکیت متزلزل می باشد.

تصرفات مانعه از خیار ممنوع است و در صورت انجام آنها دارنده خیار حق اعمال خیار و طلب مبیع را دارد که در این صورت بدل یا قیمت آن به وی بر می گردد.

با توجه به غنای حد بالای فقه اسلامی و به تبع آن قوانین برگرفته از آن پیشنهاد می شود قوانین دسته بندی شده خیار با بیان ادله آن به کنوانسیون های بین المللی و سازمان های اقتصادی بین الملل ارائه شود تا این قوانین به صورت واحد در تمام قراردادهای بین الملل مورد استفاده قرار گیرد.

خیار به معنای حق فسخ معامله در اصل برای دفع ضرر از لزوم معاملات بر عهده من له الخیار است. که توسط شارع تشریح شده است و علاوه بر آن، عقلاء در معاملات خود بعضا به صورت تاسیسی نیز ایجاد می کنند. به طور کلی خیار یک امر اعتباری است که یا به جعل متعاقدین یا به جعل شارع و یا به اعتبار عقلاء ایجاد شده است. از آن جهت که برخی از

زند (کنایه از دست دادن است) سپس در طول زمان، صفت در خود عقد استفاده شده است. در اصطلاح حقوقی، اختیاری است برای یکی از طرفین عقد معوض که عقد نسبت به قسمتی از موضوع عقد صحیح و نسبت به قسمتی باطل از کار در می آید، در این صورت به موجب آن اختیار، او می تواند عقد را نسبت به قسمت صحیح فسخ کند جهل مشتری در ثبوت خیار تبعض صفت نقش اساسی دارد و در غیر این صورت این نوع از خیار ثابت نمی شود بنابراین خیار تبعض صفت دارای دو شرط اساسی می باشد: «یکی بطلان قسمتی از مبیع و دیگری جهل مشتری به بطلان مذکور در حین معامله» (۱۴).

خیار تخلف شرط

به این نوع خیار در بعضی از تعابیر «خیار اشتراط» هم اطلاق شده است (۱۵). بدین معناست که «فروشنده یا خریدار شرط کند که کاری انجام دهد، یا شرط کند مالی را که می دهد طور مخصوصی باشد و به آن شرط عمل نکند که در این صورت، دیگری می تواند معامله را به هم بزند» (۱۰) و در علم حقوق اینگونه ذکر شده است: «هر گاه بعد از عقد وفا به شرطی که شده (شرط فعل - شرط صفت) نشود کسی که به نفع او شرط شده می تواند معامله را فسخ، و عوض را بگیرد و می تواند معامله را به همان نحو (بدون اخذ ارش) قبول کند» (۱۱).

آثار اخلاقی خیارات در معاملات

عنوان خیار مختص به فقه اسلام^{۱۱} می باشد و در حقوق بین الملل و تجارت جهانی^{۱۲} کاربردی ندارد اما اگرچه خیار از ملزومات فقه شیعی و البته از قوانین اقتصادی در جمهوری اسلامی است، ولی آنچه محرز است ابعاد اخلاقی^{۱۳} وسیع آن است و اینکه وجود اختیار در فسخ معامله در صور خاصی است که در وحدانیت دلیل با خیار یکی است. برای مثال در صورت ضرری بودن یک معامله بعد از علم به عیب معتدبه و یا ضرر در صورت غبن فاحش که از نظر اخلاقی غیرقابل چشم پوشی است نمی توان طرف مغبون را مجبور به پذیرش معامله و رضایت اجباری بدان کرد. این امر خلاف عقل و اخلاق است. (۱۶)

از طرفی اصل حاکمیت اراده^{۱۴} و توان ایجاد یک اختیار در معامله بر فسخ آن به دلایلی و یا به هیچ دلیلی را دلیلی مهم بر آن دانست. می توان الزام در قرارداد به هر نحوی و ورود بدون اختیار خروج از آن را مخالف آزادی انسان عنوان نمود و آن را نفی کرد (۱۷).

هیچ گونه نظام فکری و اخلاقی در اقتصاد دنیا وجود ندارد که تراضی اشخاص را بر فسخ معامله در صورت خاص و یا به شکل عام رد نماید و آن را از طرفین معامله سلب نماید. از طرفی برخی از قراردادها در برهه ای از زمان و یا در موارد خاص غیرممکن خواهد شد و یا در برخی از موارد اگرچه ممکن است ولی بسیار مشقت آور و سخت خواهد شد. در چنین مواردی نمی توان حق فسخ و یا تراضی بر فسخ را نادیده گرفت و آن را غیرممکن عنوان کرد (۱۸).

لکن فسخ یا حق فسخ، به لحاظ اخلاقی مسأله ای غیرقابل چشم پوشی است و در کنوانسیون های بین المللی با نام های دیگر همچون



البته قانونگذار بر اساس ماده ۳۷ قانون تجارت الکترونیک، فارغ از خیارات فوق و از نظر زمانی و کیفی پا را فراتر گذاشته و اختیار فسخ معامله الکترونیک را ۷ روز بیان نموده و مقرر می‌دارد که: در هر معامله از راه دور مصرف کننده باید حداقل هفت روز کاری، وقت برای انصراف (حق انصراف) از قبول خود بدون تحمل جریمه و یا ارائه دلیل داشته باشد. تنها هزینه تحمیلی بر مصرف کننده هزینه بازپس فرستادن کالا خواهد بود.

بر اساس نظریه حق بودن خیار، و با توجه به صفت بارز حق در جواز اسقاط یا ارب بردن و یا واگذاری در معاملات الکترونیک نیز، می‌توان آن را واگذار کرد و یا به ارب گذاشت یا اسقاط نمود. همچنین اختلاف در جواز تصرف من علیه الخیار در کالا در زمانی که خیار ثابت است در اینجا نیز وجود دارد. البته با توجه به آنچه بیان شد که به دلیل قاعده سلطنت من علیه الخیار حق استفاده از کالا را دارد و در صورت عملی شدن خیار توسط من له الخیار و فسخ آن، وی تنها به بدل رجوع خواهد کرد و بدل آن را دریافت می‌کند.

ملاحظه‌های اخلاقی

در این پژوهش مروری با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاق امانت داری علمی رعایت و حق معنوی مولفین آثار محترم شمرده شده است.

واژه نامه

1. Sale	بیع
2. Barter transaction	معامله پایاپای
3. Traditional transactions	معاملات سنتی
4. Ethical works	آثار اخلاقی
5. Electronic transactions	معاملات الکترونیکی
6. Terminate the transaction	فسخ معامله
7. Options	خیارات
8. Sight option	خيار رویت
9. Lesion option	خيار غبن
10. Defect option	خيار عیب
11. Islamic jurisprudence	فقه اسلامی
12. World trade	تجارت جهانی
13. Ethical dimensions	ابعاد اخلاقی
14. The rule of will	حاکمیت اراده
15. Scam	کلاهبرداری

References

- Sokhankhosh Z. (2017). E-commerce, nature, types, how to terminate and exercise the right of withdrawal. 1st ed. Tehran: Farhikhtegan Publication. (In Persian).
- Jafari Langeroudi MJ. (1999). Extensive in terminology. Vol. 5. Tehran: Gange Danesh Publication. (In Persian).

خیارات دارای فلسفه خاص و البته منصوص است که در معاملات الکترونیک نیز وجود دارد، لاجرم ثبوت خیار در آنها نیز ثابت است. که می‌توان به خیار غبن برای این نمونه مثال زد. مبنای خیار غبن ضرری است که شخص خریدار یا فروشنده در صورت فروش کمتر از حد عرف بازار و یا خریدار، خریدی بالاتر از عرف قیمی بازار به صورت فاحش انجام دهد و در این مسئله نیز جاهل به قیمت واقعی باشد. لذا برای ممانعت از پذیرش ضرر فاحش خیار غبن جعل شده است. لکن در برخی از موارد نیز از آن جهت که صورت مسئله فرق می‌کند و خیار نیز تشریحی و توقیفی است، نمی‌توان پا را فراتر گذاشت و خیار را ثابت دانست که خیار مجلس از این دسته محسوب می‌شود. همچنین معاملات الکترونیک می‌توانند متصف به جواز یا لوم نیز باشد که بر حسب اختلاف در ثبوت خیار در معاملات سنتی جایز در اینجا نیز همین بحث مطرح می‌باشد و در صورت ثبوت آن در معاملات جایز در معاملات الکترونیکی جایز نیز ثابت است. در واقع معاملات الکترونیک تنها صورت و شکلی از معاملات است که با واسطه ابزار خاص از جمله رایانه و تبلت یا موبایل انجام می‌گیرد و نه نوعی خاص که در برابر معاملات سنتی قرار گیرد، چرا که در غیراینصورت معاملات مکاتباتی مثل نامه و یا وکالتی و غیره نیز باید نوعی خاص از معامله باشد که اینگونه نیست. به بیان دیر معاملات الکترونیک از نظر ماهوی با معاملات سنتی فرقی ندارند و تنها شکلی خاص از معاملات محسوب می‌شوند. لکن در این نوع از معاملات داده پیام و اصل ساز از ارکان آن محسوب می‌شوند. احکام در دو شکل از معامله سنتی و الکترونیک فرق چندانی با یکدیگر ندارد الا در مواردی که به خصوصه نمی‌توان تنقیح مناط نمود.

خیار شرط از آن جهت که امری تاسیسی توسط طرفین است و بر اساس آزادی اراده‌ها امری مشروع و غیرمنه‌ی می‌باشد در معاملات الکترونیک نیز ثابت است و هر یک از طرفین می‌توانند خیار را در ضمن معامله برای هر یک از طرفین و یا شخص ثالث ایجاد نمایند. خیار حیوان از آن جهت که تابع معامله حیوان و وجود باید و مشتری است و هر دو نیز در این نوع از معاملات وجود دارد در خصوص معاملات الکترونیک ثابت و جاری است.

همچنین خیار تاخیرثمن، خیار رویت و تخلف وصف در این نوع از معاملات ثابت و جاری است. حتی می‌توان معاملات الکترونیک را نیازمندتر از معاملات سنتی در محتاج بودن به خیار تخلف از وصف و رویت ادعا نمود. البته با توجه به این نکته که در بیع کلی خیار رویت نیست چه این بیع الکترونیک باشد و یا سنتی بوده باشد.

خیار عیب، تخلف شرط و تدلیس نیز با توجه به ودت معاملات الکترونیک و سنتی در وجه تشریح خیارات مورد نظر ثابت و جاری است. در خصوص تبعض صفقه نیز همینگونه است و خیار تبعض صفقه وقتی حاصل می‌شود که عقد بیع نسبت به بعض مبیع به جهتی از جهات باطل باشد در این صورت مشتری حق خواهد داشت بیع را فسخ نماید یا به نسبت قسمتی که بیع واقع شده است قبول کند و نسبت به قسمتی که بیع باطل بوده است ثمن را استرداد کند.

- Iran/Qom: Founder of the Department of Knowledge of Islamic Jurisprudence. (In Persian).
14. Mahmudi SF. (2016). The place of sales-specific options in electronic contracts in Iranian civil law. *Journal of Political Science, Law and Jurisprudence Studies*; 2(2). (In Persian).
 15. Ameli MH. (1409 Ah). *Shiite means*. 2nd ed. Iran/Qom: Ahl albeit Publication. (In Arabic).
 16. Bakhtiarvand M. (2004). Comparative study of the rules governing electronic data and transactions. *Collection of articles of the review of legal aspects of information technology*.
 17. Azizi Arshad M, Varvae A, Jafari MJ, Ghasemi M. (2020). Cases of limitation and deviation from the principles of ethical and criminal law through the study of the cause of crimes against security on the basis of expediency. *Ethics in Science and Technology*; 15: 13-18. (In Persian).
 18. Gholami M, Kalantari K, Gouldouzian I, Esmaeili H. (2020). Islamic ethics and civil liability in compensating innocent prisoners: a comparative study of Iranian and American law. *Ethics in Science and Technology*; 15: 6-12. (In Persian).
 19. Nourizad E, Mojtahed Soleimani A, Seyed Morteza Hoseini R. (2021). Criminal mediation as a doctrine of restorative justice from the perspective of law and ethics. *Ethics in Science and Technology*; 15(4): 1-6. (In ersian).
 20. Mehrpour H, Madani Bajestani M, Hazhbar Kalaei S. (2020). Role of principles of ethics in the legal function of computer. *Ethics in Science and Technology*; 15 (3):13-19. (In Persian).
 3. Amiri-Ghaemmaghami A. (1999). *Rights of obligations*. Vol. 2. Tehran: Mizan Publication. (In Persian).
 4. Izadifar A, Kaviar H, Hasanjani A. (2013). Parliamentary option in electronic contracts. *Journal of Legal Justice*; 81. (In Persian).
 5. Haeri SM. (2014). *Almanahil*. 1st ed. Iran/Qom: Ahlalbeit Pulication. (In Arabic).
 6. Katouzian N. (2006). *Introductory course in civil law, legal application of the contract*. 1st ed. Iran/Tehran: Sahami Enteshar Publication. (In Persian).
 7. Ameli M. (1417 Ah). *Legal lessons in the jurisprudence of the Imamate*. 3rd ed. Iran/Qom: Islamic Publication. (In Arabic).
 8. Taghizadeh E, Zolfagar Arani M. (2017). The place of options in electronic contracts. *Journal of Legal Perspectives*; 5(1). (In Persian).
 9. Khomeini SR. (1978). *Tahrir alwasilati*. 2nd ed. Iran/Qom: Darolelm Publication. (In Persian).
 10. Banihashemi Khomeini SM. (2013). *Clarification of issues*. 1st ed. Iran/Qom: Islamic Publication. (In Persian).
 11. Jafari Langeroudi MJ. (2018). *Law terminology*. Vol 5. Tehran: Ganje Danesh Publication. (In Persian).
 12. Najafi MH. (1404 Ah). *Jewels of speech in explaining the laws of Islam*. 7th ed. Lebanon/Beirut. Alarabi Publication. (In Arabic).
 13. Shahrudi SM. (1426 Ah). *Culture of jurisprudence according to the religion of Ahl al-Bayt*. 3rd ed.